تفسیر احمد

سوره ء الماعون

Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسیر سوره الماعون
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مهتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

(c) ketabton.com: The Digital Library

سوره الماعون

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 7 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِی يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (١) فَذَلِكَ الَّذِی يَدُعُّ الْيَتِيمَ (٢) وَلا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (٣) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (٤) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ سَاهُونَ (٥) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (٦) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (٧)

معلومات مؤجز:

سورۀ « **الماعون** » مکی و دارای (1) رکوع ، (7) هفت آیت، (25) بیست وپنج کلمه، (115) یکصدو پانزده حرف، و (65) پنجاوه وشش نقطه است.

نام این سوره « **الماعون** » از آیۀ آخری این سوره گرفته شده است. طوریکه در فوق گفتیم سورۀ « **الماعون** » مکی بوده، ولی هستند برخی از مفسرین که این سوره را از جمله سور های مدنی می داند.

مفسر تفسیر « جلوه های از اسرار قرآن» در مورد مدنی بودن سوره «الماعون » چنین استدلال می نماید : دو دلیل در باره مدنی بودن این سوره را میتوان عمده ساخت:

اول: بحث از نمازگذاران ریا کار در مکه مورد نداشته ، نمازگذاران ریاکار در مکه نه بلکه در مدینه تبارز کردن، شرایط مکه چنان نبود که عناصر منافق، دو رو وریا کار به صفوف نهضت بپیوندند، این عناصر در مدینه وبا مشاهده قدرت وسلطه مسلمانان و بر ای کسب امتیازات به صف پیوستند ، به نماز باور نداشتند، نماز شان برای خدا نبود، برای خود نمایی ونفوذ در صف مسجد می آمدند ونماز می خواندند، در مکه شرایط چنان بود که نماز با جماعت ، علنی ودر محضر مشرکان دشوار ومصروف دعوت مشرگان به جنگ بود ، چنین کاری از عناصر ریکار ومنافق ساخته نبود .

دوم: بحث در باره روابط اجتماعی وامور مربوط به آن از موضوعات بحث سوره های مدنی است ، نه سوره های مکی ، در این سوره به امتناع نماز گذاران ریاکار از دادن ماعون ، آنچه عادتآ« مردم یک محله به همدیگر کمک می کنند » اشاره شده است ، بحث در مورد چنین مسائلی با فضای مکه وسور های مربوط به این مرحله سازگار نیست.

شهید سید قطب در تفسیر خویش در مورد مکی و مدنی بودن این سوره می نویسد:

برخی از مفسرین این سوره را مکی وبرخی دیگر مفسرین این سوره را مدنی می شمارند . ولی در عین زمان تعداد از مفسرین بدین عقیده اند که :اولین سه آیه این سوره مکی ومتباقی آیات این سوره مدنی می باشد .

سید قطب می فرماید:

نظریّۀ دوم ارجح است. با این وجود این سوره به طور کلّی دارای وحدت متّفق و مرتبطی است. دارای رویکرد یگانه‌ای در بیان یک حقیقت کلی از حقائق این عقیده است، رویکرد یگانه‌ای که ما را بر آن می‌دارد این سوره را به طور کلّی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مدنی بدانیم. زیرا موضوعی که این سوره بدان می‌پردازد از جملهٔ موضوعات مدنی قرآن است.
موضوع مورد نظر راجع به نفاق و ریا است. نفاق و ریا نیز در مکه میان گروه مسلمانان موجود و مشهور نبوده است.
امّا پذیرش روایتهائی که گویای مکی و مدنی این سوره است هیچ مانعی ندارد. زیرا احتمال دارد چهار آیهٔ آخر این سوره در مدینه نازل شده باشد و به سه آیهٔ نخستین این سوره ملحق گردیده باشد به مناسبت مشابهت و پیوندی که موجود در موضوع است .
امابه قول جمهور، این سوره مکی است اما به قول ابن‌عباس و قتاده این سوره را مدنی می شمارد .
«هبة الله» مفسر نابینا در بیان سبب نزول آن گفته است: نصف این سوره در مکه درباره عاصی‌بن‌وائل و نصف آن در مدینه در باره عبدالله بن‌ابی منافق نازل شده است.

اسباب نزول:

در بیان سبب نزول سوره ماعون مفسرین اقوالی مختلفی ارائه داشته اند :
ابن‌عباس رضی‌الله عنهما می‌گوید: «این آیه درباه عاصی‌بن‌وائل سهمی نازل گردید».
اما سدی می‌گوید: «این آیه درباره ولیدبن‌مغیره نازل شد». به قولی: این آیه درباره ابوجهل نازل شد که وصی یتیمی بود پس آن یتیم با تنی برهنه نزدش آمد و از وی مال خود را طلب کرد اما او یتیم را از خود راند.
ابن‌جریح می‌گوید: «این آیه درباره ابوسفیان نازل گردید که در هر هفته شتری می‌کشت در این حال یتیمی از وی چیزی خواست اما او آن یتیم را با چوب دست خود راند».

ترجمهٔ مؤجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام الله بخشنده مهربان
«**أَرَأَيتَ الَّذِی يكَذِّبُ بِالدِّينِ** »(1) (آیا دیدی کسی‌را که تکذیب کند دین را)
« **فَذَلِكَ الَّذِی يدُعُّ الْيتِيمَ** »(2) (پس او همان است که می راند یتم را)
« **وَلَا يحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ** »(3) (ونمی انگیزد کسی را بردادن طعامی مسکین را)
«**فَوَيلٌ لِّلْمُصَلِّينَ** » (4)(پس وای بر این نماز گزاران)
«**الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** » (5) (آنانیکه غافل اد از نماز شان)
«**الَّذِينَ هُمْ يرَاؤُونَ** » (6) (همان ها که خود نمائی کنند)
«**وَيمْنَعُونَ الْمَاعُونَ** » (7) (واشیای عاریت دادنی را باز دارند)
در این سوره طوریکه ملاحظه می فرماید از صفات واعمال منکران قیامت که آنها به خاطر تکذیب این روز:
- از « **انفاق** » در راه الله سر باز می زنند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

- از کمک به « **یتیمان** » غفلت می نمایند .
- از کمک ومساعدت به « **مسکینان** » فرار می نمایند .
- در مورد اقامه« **نماز**» مسامحه کار وریاکار اند.
- ازکمک به « **نیازمندان** » روی گردانند.

خلاصۀ تفسیر:

آیا شما آن کسی را دیدی که روز جزا را تکذیب می نماید، پس (شما می خواهید حال او را بیشنوید ، پس بشنوید که) آن کسی است که یتیم را ازخود می راند ، وبه طعام دادن محتاج (دیگران را) تر غیب نمی کند ، (او آنچنان سنگدلی است که خود او به فقیرا که هیچ ، دیگران رانیز بر این وادار نمی کند ، پس وقتی تضییع حقوق بند گان چنین بداست ، پس تضیع حق خلق به طریق اولی بدتر خواهد شد) پس (از این ثابت شدکه) برای اینگونه نمازخواندنان ویرانی بزرگی است که نماز خود را فراموش می کنند (آن را ترک می کنند) پس کسانی که چنین هستند ، (وقتی که نماز می خوانند پس) ریاکاری می کنند واصلا زکات نمی دهند ،(زیرا برای زکات شرعآ لازم نیست که در جلوهر کس آن ظاهر نموده بدهد ، بنابر این، در صورت ندادن آن هم کسی نمی تواند اعتراض بکند ، بر خلاف نماز که آن با جماعت آشکارا ادا می گردد ، اگر آن کاملآ تر ک شود ، پس نفاق بر همه کس روشن می گردد ، لذا نماز را فقط به خاطر نشان دادن می خواند .)

محتوا کلی سورۀ ماعون:

این سوره به کسانی که ظاهراً به دین گرویده‌اند، اما در عمل به دستورات دینی بی‌توجهی می‌کنند، هشدار می‌دهد .

در این سوره پنج مورد ازخصوصیات منکران قیامت (سرباز زدن از انفاق، راندن یتیمان و مسکینان، ریا، مسامحه در نماز و بازداشتن مردم از کمک به نیاز مندان) مطرح ومورد بحث قرار گرفته است .

در این سوره اشاره به هر چیز از ریا و ریاکاری و سهل انگاری در نماز دارد و دیگران را به اطعام مسکین و مستمند تشویق می کند تا مثل ابوسفیان نباشندوبه یتیمان احترام بگذارند وبه روز جزا و انکار روز جزا و دادگاه بزرگ آن در عمل انسان هم اشاره شده است.

به بیان دیگر سوره ماعون به این حقیقت مهم اشاره می‌کند که دینداری تنها اعتراف به وجود الله تعالی نیست، بلکه باید همراه با اعمال صالح و شایسته و ترک زشتی‌ها و اعمال ناشایست باشد .

تفسیر مؤجز:

«أَرَأَيتَ الَّذِی يكَذِّبُ بِالدِّينِ »(1) ((ای پیامبر) آیا کسی‌که روز جزا را تکذیب می‌کند دیده‌ای؟!) کسی را دین را انکار کند ، وکسی را که در انکار الله ورسولش ، ورزوجزا و احکام را انکار می‌کند؟ این استفهام برای برانگیختن تعجب و درعین حال جهت تشویق شنونده به شناخت امری است که بعد از آن بیان می‌شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

« **أَرَأَيتَ** »: به ظاهر از رؤیت می‌آید، که آیا دیدی . قابل ذکر است که رؤیت به دو قسم است ، روئیت چشمی و رؤیت قلبی.
در همه آیات قرآنی که کلمه «أَرَأَیتَ » بکار رفته است ، هدف از آن رؤیت قلبی است.
پس در این صورت « أَرَأَیتَ های قرآن» را باید اینطور معنا کرد: رای و نظر تو چیست در بارۀ کسی که مثلاًتکذیب می‌کند دین الهی را. این به اصطلاح اولین کلمه است که تأمل و دقت خاصی را می‌طلبد. وقتی که می‌فرماید« أَرَأَیتَ الَّذِی یکَذِّبُ بِالدِّینِ » به نظر می رسد که دین به معنای روز جزاست. چون دین در قرآن کریم استعمالات گوناگونی دارد ولیکن یکی از مهمترین معانی و استعمالات دین عبارت از روز قیامت است چنانچه در سورۀ حمد هم داریم «مالِكِ یوْمِ الدِّینِ، و ما ادراک ما یوم الدین » در سورۀ افطار اینجا هم ما دین را به معنای روز جزا می گیریم.
«**فَذَلِكَ الَّذِی یدُعُّ الْیتِیمَ** »(2) پس او (همان) کسی‌که یتیم را (با خشونت از خود) می راند) نه تنها به او کمکی بعمل نمی اورد ، بلکه به شخصیتش نیز توهین واهانت می کند و به او صدمه روحی می رساند.
در جمله « **یدُعُّ الیتِیمَ**» این مفهوم را می رساند که: یتم را دور می سازد وآنرا از خود می راند وطرد اش می کند . منکرِ دین حق یتیم را نادیده می‌گیرد، بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند و زمینه‌ای آماده نمی‌کند و در مورد هیچ کاری انجام نمی‌دهد. بنابراین، رعایت حال یتیم و مسکین از شروط دین است و از بنیان‌های پذیرفتن ایمان. هر کس که این واجب عملی ، را منکر شود، خدا را انکار کرده و به او ایمان نیاورده و دین خدا را تکذیب کرده است.
این بیان حجتی قاطع است که تعبیری بالاتر از آن نیست و جایی برای شک نمی‌گذارد:
«**أَرَأَیتَ الَّذِی یکَذِّبُ بِالدِّینِ فَذَلِکَ الَّذِی یدُعُّ الیتِیمَ وَ لا یحُضُّ عَلی طَعامِ المِسکِینِ**.» حقیقت این است که معنای درست ایمان به خدا و دین مستلزم رسیدگی و توجه به خلق خدا و امور جامعه و وضعیت مردم است، و در غیر این صورت ایمان در کار نیست. علت این است که ایمان به خدا معنای ایمان به آفرینندۀ جهان، خدای عالِمِ عادلِ رئوفِ رازقِ رحیم است، خدایی که هر صفت نیکو و شایسته‌ای از او آغاز می‌شود و به او نیز پایان می‌یابد، نقطۀ آغاز و پایان هر خیری. ایمان به خدا به این معنا مستلزم این است که ما به هستی بنیان نهاده شده بر حق و عدل، ایمان داشته باشیم، زیرا که صفات آفریننده بر آفریده اش منعکس می‌شود.
«**وَلَا یحُضُّ عَلَی طَعَامِ الْمِسْكِینِ**»(3)(و (دیگران را) به اطعام بی‌نوا (و مسکین) ترغیب و تشویق نمی‌کند)یعنی: این شخص منکر روز جزاء، همان کس است که نه خود به سبب بخل و آزی که دارد، مساکین را اطعام می‌کند و نه خانواده خود یا دیگران را بر این کار برمی‌انگیزد.

مسکین وفقیر:

فرق بین فقیر ومسکین این است که فقیر هیچ چیزی در اختیار ندارد و توان برآوردن احتیاجات روزمره اش را هم ندارد و مسکین کسی است که احتیاج و نیازمندی اش نسبت

(c) ketabton.com: The Digital Library

به فقیر کمتر است .
صحیح ترین قول در مورد تعریف فقیر و مسکین همین است. البته عده ای از علما ء تعریف این دو را برعکس گفته اند. به هر یکی از این دو قشر به اندازه ی احتیاجش به همراه رعایت کردن درآمدش داده می شود و بیشتر از آن نباید به او داده شود، چون در این صورت غنی می گردد و از اصناف زکات خارج می گردد. البته حاجت و نیازمندی بر حسب تفاوت محیط زندگی متفاوت است.
پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیحی می فرماید: « **لیس المؤمن الذی یشبع و جاره جائع إلی جنبه**» «کسی که خود سیر باشد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مؤمن نیست». (السلسله الصحیحه (149/1) و بخاری در (الأدب المفرد) (112).
شیخ البانی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: «این حدیث دلیل واضحی است بر اینکه هرگاه کسی خود غنی باشد، بر او حرام است که همسایه ی گرسنه ی خود را فراموش کند، بلکه بر او واجب است تا آنچه را که موجب برطرف شدن گرسنگی شان می شود و همچنین دیگر ضروریات زندگی را بدانها بدهد.
و همچنین حدیث اشاره می کند بر اینکه بر مال و دارایی هر فردی علاوه بر حق پرداخت زکات آن، حق دیگری نیز وجود دارد (و آن صدقه به نیازمندان است) و ثروتمندان گمان نکنند که آنها با پرداخت زکات سالانه امواشان بریء الذمه خواهند شد و تکلیف از دوششان ساقط می شود، بلکه حقوق دیگری بر آنها ، در شرایط مورد نیاز و پیش آمده - وجود دارد، که بر آنها واجب است آن حقوق را ادا کنند، وگرنه مشمول این وعید و هشدار الله تعالی قرار می گیرند: «**وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ**» (سوره توبه 34).یعنی: و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!
« **یَوْمَ یُحْمَی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوَی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا کَنَزْتُمْ لأَنفُسِکُمْ فَذُوقُواْ مَا کُنتُمْ تَکْنِزُونَ**» (سوره توبه35). یعنی: در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می‌کنند؛ (و به آنها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید!» السلسله الصحیحه (149/1).
بنابراین هر مسلمانی که الحمدلله خود از لحاظ معیشت و خوراک در وضعیت مطلوبی به سر می برد، چنانکه یکی از همسایگانش در وضعیت نابسامان مالی و معیشتی به سر می بردند، یکی از حقوق واجب آن همسایه اینست که فرد غنی به یاری او بشتابد و در حد توان نیازهایش را برآورده کند، و از مالی که خداوند متعال به فضل خویش به وی عطا فرموده به همسایه ی نیازمندش انفاق کند.
«**فَوَیلٌ لِّلْمُصَلِّینَ » (4)**(پس وای بر نمازگزارانی که از نماز خویش غافلند» و به آن اهمیتی نمی‌دهند به‌طوری‌که اگر نماز بگزارند، از نماز خود امید ثوابی را نمی‌برند و در برابر ترك آن نیز از مجازاتی بیم ندارند همچنین آنان از نماز غافلند تا وقت آن از دست برود پس اگر با مؤمنان باشند، به ریا نماز می‌خوانند اما اگر با مؤمنان نبودند، نماز نمی

(c) ketabton.com: The Digital Library

خوانند.
هکذا آنان با به تأخیر انداختن وقت نماز، یا با خواندن آن به بی‌مبالاتی، از نماز خویش غافلند. یا مراد بی‌نمازانی‌اندکه از نماز خویش غافلند.
ابن‌کثیر نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب سعدبن‌ابی‌وقاص (رض) که از ایشان پرسید:« **فَوَيلٌ لِّلْمُصَلِّينَ »** چه کسانی‌اند؟ فرمودند: «کسانی که نماز را از وقت آن به تأخیر می‌اندازند».
ابن‌عباس رضی‌الله عنهما در بیان سبب نزول این آیه می‌گوید: «این آیه درباره منافقانی نازل شد که وقتی مؤمنان حاضر می‌بودند، از روی ریا و خودنمایی نماز می خواندند اما وقتی مؤمنان غایب می‌بودند، نماز را ترك می‌کردند همچنین آنان از عاریت دادن اشیا و وسایل ضروری منزل به مؤمنان خودداری می‌کردند.
«الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ » (5) (آنانیکه غافل اد از نماز شان)
«الَّذِينَ هُمْ يرَاؤُونَ » (6) (همان ها که خود نمائی وریا کنند) یعنی: به علاوه آن‌که آنان از نماز خود غافلند، بلکه همان نمازهایی را که نیز می‌خوانند، ریاکاری می‌کنند. یا آنان در هر عمل از اعمال نیکی که انجام می‌دهند، ریاکاری می‌کنند تا مردم آنان را بنام نیک یاد کنند .
رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث شریف فرموده‌اند: «الرياء أخفى من دبيب النملة السوداء فی اللیلة المظلمة علی المسح الاسود»(ریا پوشیده تر از خزیدن موری(حشرت) سیاه در شبی تاریك بر پلاس سیاهی است».

برخی از انواع ریا :

1 ـ نیکو جلوه دادن شخصیت و هیأت خود به قصد حب جاه و ثنا و ستایش مردم.
2 ـ پوشیدن جامه کوتاه، یا پوشیدن لباس با رنگ های تیز ، تا به این وسیله در دنیا و در نظر مردم به هیأت وهیبت زهد درآید.
3 ـ ریا کردن با گفتار به وسیله اظهار خشم بر اهل دنیا و اظهار تأسف بر آنچه که از خیر و طاعت از او فوت می‌شود.
4 ـ نشان دادن نماز و صدقه خود به دیگران، یا نیکو آراستن نماز در پیش چشم مردم.

فرق در میان منافق و ریاکار این است که:

منافق آشکار کننده ایمان و پنهان کننده کفر است در حالی‌که ریاکار: آشکار کننده خشوعی است که در قلب وی وجود ندارد؛ تا کسی که این خشوع ظاهری او را می‌بیند، او را متدین و خداترس بپندارد و در حقش ارادتی به‌هم رساند.
علما گفته‌اند: نشان دادن عمل نیك به دیگران اگر با هدف برانگیختنشان به پیروی از خود، یا به انگیزه نفی تهمت از خود باشد، باکی ندارد.
«وَيمْنَعُونَ الْمَاعُونَ » (7) (و (از پرداخت زکات و) عاریت دادن وسایل ضروری زندگی دریغ می‌ورزند.) ماعون آن است که پیوسته در گردش و جریان است چنانکه آن را تبر، دیك، دستاس و نحو آن که معمولا به عاریه داده می شوند، معنی کرده‌اند. (قاموس

(c) ketabton.com: The Digital Library

القرآن- جلد 6 صفحه 263)
در این آیه خداوند متعال می فرماید که : اینها از جمله کسانی هستند که از دادن کوچکترین چیز ها حتی وسائل معمولی زندگی به دیگران هم کوتاهی می کنند.حتی از درخواست های کمی که دیگران از آنان دارند و آنها هم انجام آن برایشان مقدور است کوتاهی می کنند و این باعث می شود که روحیه بخشش در آنها نهادینه نشود و بالتبع درموارد دیگر هم نتوانند از مال شان بگذرند و در راه الله به مصرف برسانند.
این وابستگی به اموال مانع این می شود که حتی نماز آنها، نماز حقیقی ای باشد.

حکم تارک نمازدراسلام:

قرآن عظیم الشان در (آیــۀ 42 و43 سوره مدثر) میفرماید : « ما سلککم فی سقر؟ قالو لم نک من المصلین »(وقتی که مومنان از گناهکاران می پرسند چه چیزی باعث شد که به دوزخ داخل شوید؟ می گویند از نمازگزاران نبودیم و (یعنی تارک الصلاة بودنمان ما را به این روز سیاه کشانده) و دچار آتش دوزخ کرد) بلی واقعآ چنین است . عقیده نداشتن به نماز و ترک ان به کلی آنان را مستحق عذاب دوزخ ساخت.
اما آنان که به فرض بودن نماز معتقد باشند و در عمل نماز نخوانند خداوند متعال در قرآن کریم انان را به عذاب « غی » تهدید می کند و غی بیابانی در دوزخ می باشد.
آنجا که خداوند می فرماید: « **فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا** » (بعد از آن مردمی که هرگاه آیات رحمن بر آنان خوانده می شد به سجود می افتادند و بر خود می گریستند بعد از آن مردم دیندار مردمی ناخلف روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و آنرا ترک نمودند وبه دنبال شهوات و معاصی راه افتادند آنان به قعرغی انداخته خواهند شد)(سوره مریم آیه۵۹).
ولی آنان که به فرض بودن نماز عقیده دارند و نماز می خوانند اما در انجام آن سهل انگاری می کنند و از اینکه نمازشان به تاخیر افتد یا وقت آن بگذرد پروایی ندارند قرآن در مورد این افراد می فرماید: « فویل للمصاین الذین هم عن صلاتهم ساهون » (ویل و عذاب خدا بر نمازگزارانی که در انجام نماز خود غفلت می کنند و از تاخیر آن پروایی ندارند و نماز خود را به دست فراموشی می سپارند) (سوره ماعون آیه ۴ و ۵).
در روایتی از سعدبن ابی وقاص آمده است که: در خصوص این ایه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم ایشان فرمودند: « هم الذین یوخرون الصلاة عن وقتها » (آنان مردمی هستند که نماز را به تاخیر می اندازند تا از وقت آن می گذرد).
همچنان طوریکه درفوق گفتیم درحدیث صحیح آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:« **بین الکفر و الایمان ترک الصلاة** » (حد فاصل ایمان با کفر ترک نماز است) یعنی اگر کسی نماز فرض نخواند از دایره ایمان خارج است و به کفر رسیده است.
در حدیث مسند آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « من حافظ علی الصلوت کانت له نورا و برهانا و نجاة یوم القیامة و من لم یحافظ علیها لم یکن له نورا یوم القیامة مع القارون و فرعون و هامان و ابی بن خلف » (کسی که بر انجام نماز فرض مواظبت نماید و ارکان و شروط آن را درست بجا آوردن و با جماعت بخواند در روز

(c) ketabton.com: The Digital Library

قیامت نماز نور و روشنایی او خواهد بود و دلیل و برهان ایمان داری و وسیله نجات و رهایی او از عذاب الهی خواهد بود . و کسی که بر انجام نمازهای فرض مواظبت ننماید و نماز نخوانده باشد او هیچ نوری ندارد و بی نصیب از هر نور و وسیله نجاتی از همراهان قارون فرعون هامان و ابی بن خلف خواهد بود).

ابونعیم از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند: « من ترک الصلاة متعمدا کتب لله اسمه علی باب النار ممن یدخلها و من ترک صلاة متعمدا احبط الله عمله و برئت منه ذمه الله تعالی حتی یرجع لله توبة » (کسی که نماز فرض را بعمد ترک نماید خدای متعال نام او را بر در دوزخ می نویسد و از جمله داخل شوندگان به دوزخ است و کسی که یک نماز فرض را بعمد ترک کرد خدای متعال اعمال او را نابود می کند و از ذمه خدا یعنی در سایه حفظ و مراقبت خدا قرار ندارد مگر توبه کند و به سوی خدا باز گردد و بر انجام نمازهای فرض مواظبت و مداومت داشته باشد.).

در حدیث اسرا و معراج آمده که رسول الله صلی الله عیه وسلم بر مردمی گذشت که سر شان را می کوفتند و باز به حال اول بر می گشتند. رسول الله صلی الله علیه وسلم از جبرئیل پرسید : اینان چه کسانی هستند ؟ جبرئیل گفت : اینان مردمی هستند که از خواندن نماز فرض سرشان سنگین می شد و نماز را به وقت نمی خواندند .

بنآ حکم اسلامی واجماع علماء بر این است : شخصیکه واجب بودن نمازهای پنجگانه را انکار نماید کافر و مرتد است و حتی علماء حکم میکنند که قتل شخصی متذکره واجب میباشد.

حکم تارک نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت:

همه علمای اسلام بدین عقیده اند که اولین وظیفه یک شخصی مسلمان ودر نهایت امر از هر انسان است که در زندگی خویش پابند عبادت و پرستش پروردگار با عظمت خویش باشد ،و ترک عبادت به عنوان کوتاهی در عمل ذاتی و اساسی فرد مسلمان به‌شمار می‌آید.

نماز یکی از عبادت در دین مقدس اسلام است، وطوریکه در فوق یاد اور شدیم ، ترک عمدی آن موجب کفر میگردد ، واستدلال بر کافربودن تارک نماز (بطور عمد) حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که میفرماید:« **بَیْنَ الرَّجُلِ وَ بَیْنَ الْکُفْرِ تَرْکُ الصَّلاةِ**» (مسلم و ابوداود و ترمذی و ابن‌ماجه و احمدبن‌حنبل این حدیث را روایت کرده‌اند.) (تفاوت میان مرد با کفر، ترک نماز است) .

وهمچنان حدیثی : « **اَلْعَهْدُ الَّذی بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ الصَّلاةُ فَمَنْ تَرَکَها فَقَدْ کَفَرَ** » (احمد و صاحبان سنن این حدیث رارروایت کرده‌اند.). «عهد و پیمانی که ما را از کافران جدا می‌سازد نماز است، هر کس نماز را ترک کند، کافر شده است.».

ولی در مورد مفهوم وتعریف وتفصیل این موضوع که ترک نماز بصورت قصدی صورت گیرد ویاغیر قصدی ، آیا اینکه در جنب اینکه شخص تارک نماز از فرضیت آن هم منکر است موضوع است که در بین علماء دارایی اختلاف است .

عده ای از علماء میگویند تا زمانی که شخص وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی‌شود

(c) ketabton.com: The Digital Library

و احادیث « **بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلاةِ**» را به کفر اصغر تأویل وتعبیر میکنند .
ولی طبق صحیح ترین فتوا، که توسط برخی دیگری علماء صادر گردیده است ، میگویند ، ترک عمدی نماز موجب کفر (اکبر) می‌شود هر چند که وجوب آن را هم انکار نکند.
ولی هستند علماء اسلام که در اصدار حکم تارکین نمازاز احتیاط استفاده نموده وتارکین نماز را بدو دسته تقسیم نموده انـد.

دستـــۀ اول:

دستـۀ اول شامل حال آنعده از : بی نمازان و فاسقانی میشود که از جهت تنبلی و سستی نماز را ترك میکنند.
پیروان امام صاحب ابو حنیفه (رح) میفرمایند : اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آنرا ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی شود و بقتل هم نمی رسد.

حکم امام مالک و امام شافعی درمورد تارک نماز:

امام مالک وامام شافعی در مورد تارک نماز میفرمایند : شخص متذکره فاسق ومرتد است و کافر نمی‌باشد ، تا سه روز برایش مهلت داده می شود. اگر در این مدت توبه کند و نماز بخواند رها کردد، واگر توبه نکند به عنوان حدّ شرعی کشته شود.
شیخ عیثمین طی فتوای خویش در مجموع فتوای ورسائل(11/54) میفرماید:« آنچه که برای من ثابت شده است این است که شخص بی نماز زمانی کافر می‌شود که بطور مطلق تارک نماز باشد، به این معنی که اصلاً نماز نخواند و بعنوان شخص نمازگزار شناخته نشود .ولی اگر گاهی اوقات نماز بخواند و گاهی اوقات نخواند، از نظر من نمی توان فتوای کفرش را صادر کنیم، چون پیامبر صَلَّى اللَّهِ عَلَيهِ وَسَلَّمَ فرموده است :« **بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشّرکِ والكُفرِ تَركُ الصلاَة** ». (فاصله بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است) پس شخصی که گاهی اوقات، نماز می خواند نمی توان گفت که وی بطور کلی تارک نماز است. »

حکم شیخ عثیمین درمورد تارک نماز:

شیخ عثیمن استدلا ل حکم فتوای خویش را به این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین مستند می سازد : «**العهد الذی بَيْنَنَا وَ بينَهُم الصَّلاةُ فَمَن تَرَكَهَا فَقَد كَفَرَ** ». (وجه تمایز ما و آنان) کفار و مشرکین (نماز است، پس هر کسی که آن را ترک کند کافر می‌گردد).
شیخ عثیمن میفرماید : اگر در الفاظ حدیث دقت بعمل اید ، ملاحظه میشود که پیامبر صلی الله علیه وسلم نه گفته است که :هر کسی یک نماز را ترک دهد کافر می‌شود، و نگفت :حد فاصل بین انسان و شرک وکفر یک نماز است؛ بلکه فرمود : « تَركُ الصلاَة «یعنی ترک دادن نماز به طورمطلق. » از ظاهر این احادیث چنین بر می آید که شخص با ترک یکی دو نماز کافر نمی‌شود مگرآن که به کلی تارک آن بشود .لیکن طوریکه قبلاً یاد اور شدیم : کسیکه در بعضی اوقات نماز می خواند و گاهی اوقات آن را ترک می دهد فاسق می‌شود و مرتکب جرم بزرگی شده است و در واقع بر وجود خود جنایت نموده .
این شخص مادامی که وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی‌شود .ولی به علت ترک بعضی

(c) ketabton.com: The Digital Library

از نمازها عاصی و نافرمان محسوب می‌شود .
ولی کسی که به طور کلی تارک نماز باشد کافر و از دین اسلام خارج است ولو این که آن را از روی تنبلی و سهل انگاری ترک کند، کما این که نصوص قرآن، سنت و اقوال صحابه همین مطلب را تأیید می کنند، تا جایی که عبدالله بن شقیق رضی الله عنه اجماع صحابه را در مورد کافر بودن تارک الصلاة نقل کرده و اسحاق بن راهویه اجماع امت را در این مورد حکایت کرده است. (مجموع فتوای ورسائل شیخ عثیمن) (11/54)

دستـهٔ دوم:

دستــهٔ دوم شامل حال آنعـدهٔ ازافرادی بی نمازان میگردد :که نه تنها نماز نمی خوانند بلکه بر فرضیت نماز نیزاعتراف ندارند ونخواندان نماز را ضرور نمی دانند. حتی بر واجب بودن نماز در بین مردم استهزا وتمسخر اشکار میکنند.

احکام صادره در مورد طایفـهٔ دوم:

علماء میگویند : در مورد منکرین نماز یعنی کسانی که از فرضیت نماز نه تنها انکار میکنند ، بلکه بر مقام و منزلت نماز ضرر ی میرسانند وآنر بباد تمسخر قرار میدهند ، این عده افراد به دین ضرر میرسانند بنآ حکم امامان چهارگانه درمور د منکرین وجوب نماز ویا کسانیکه آنرا را خوار وسبک بشمارد، وبدین وسیله امر پروردگار را وپیامبر صلی الله علیه وسلم را تکذیب نمایند ، و در قلب او حتّی به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی ایمان وجود نداشته باشد ،پس او مانند کافرانی است که خداوند متعال آنان را اینگونه توصیف می‌نمایند: « **وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ اتَّخَذُوهَا هُزُواً وَلَعِباً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يعْقِلُونَ**» (سوره مائده/58) (آنان هنگامی‌که (آذان می‌گویید و مردمان را) به نماز می‌خوانید، نماز را به باد استهزاء می‌گیرند و بازیچه‌اش قرار می‌دهند (و بدان می‌خندند و تمسخرش می‌کنند) .
این کارشان بدان خاطر است که ایشان کسانِ نافهم و بی‌شعوری هستند (و ضلالت را از هدایت باز نمی‌شناسند و هدف و حکمت نماز را درک نمی‌کنند).
بدین ترتیب، از منزلت و جایگاه کسانی آگاه می‌شویم که نماز و عبادت را از مظاهر عقب‌ماندگی و ارتجاع می‌دانند، و برپادارندگان نماز را مسخره می‌کنند.

حکم امام ابوحنیفه (رح) در مورد تارک نماز:

پیروان امام صاحب ابو حنیفه در مورد اشخاص تارک نماز میفرمایند : اگر شخص از جهت تنبلی و سستی نماز را ترك می کنند فاسق بوده چنین کسی، با ترک نماز فاسق می‌شود، و واجب است که او را تأدیب و تعزیر کرد و باید او را به حدّی زد، تا خون از اندام او جاری گردد و تا هنگامی‌که به ادای نماز نپردازد در زندان باقی بماند، و حکم تارک روزه نیز به همین منوال است.

پیروان امام ابو حنیفه (رح) می افزیند:

ولی اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آنرا ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی شود و بقتل هم نمی رسد.

حکم امام احمد در مورد تارک نماز:

(c) ketabton.com: The Digital Library

امام احمد (رح)، در مشهورترین روایات خود، می‌گوید: شخص نماز نخوان کافر است، و خارج از دین و «**مارق**» تلقی می‌گردد، و مجازاتی جز قتل ندارد. و واجب است که از او بخواهند که توبه نماید، و با ادای نماز وی را به اسلام برگردانند، اگر پذیرفت، او را رها کنند و اگر نپذیرفت گردن او را بزنند.

توصیئه امام شعرانی در مورد تارک نماز:

امام شعرانی از جمله اساتیذ جید جهان اسلام در کتاب خود العهود المواثیق المحمدیه مینویسد که : رسول **الله** صلی الله علیه وسلم از همه ما مسلمانان تعهد عام گرفته اند که هرکسی که تارک الصلاة است از هرطبقه باشد عالم عامی و یا مقلد باشد باید برای او بیان نماییم که فضیلت نماز های فرض چه می باشد و این مطلب را با تاکید کامل به او یاد آوری کنیم و به همه نزدیکان و آشنایان خود بگوییم که گناه تارک الصلاة تا چه اندازه مذموم است و مرتکب چه گناهی می شود و با اینکار دین خود را به باد می دهد.

حکم شیخ حبیب ابن عبد الله در مورد تارک نماز:

شیخ حبیب ابن عبد**الله** بن علوی الحداد در نصایح خود آورده است:همانگونه که محافظت و مداومت نماز بر خودت واجب است و ضائع ساختن آن بر خودت حرام است همانگونه بر تو واجب است که بر اهل و اولادت در خصوص بجا آوردن نماز سختگیری نمایی و همانطور هر کس که زیر دست توست باید او را به اقامه نماز واداری و هیچ عذری در نماز نکردن از او نپذیری و هرکدام از آنان که سخنت را نشنیدند بر تو واجب است که بر آنان خشم بگیری و آنان را تهدید نمایی و عقوبت دهی . اگر اینکار را نکردی خودت هم از جمله کسانی خواهی بود که به نماز و حقوق خداوندی و دین خدا بی اعتنایی می کند .اگر آنان را عقوبت دادی و تهدید نمودی و بر آنان خشم گرفتی سودی نداد واجب است که آنان را از خود برانی زیرا شیطانی بی خیر و برکت هستند که نه دوستی با آنان رواست و نه زندگی با آنان جایز است دشمنی با آنان بریدن از آنان و دوری گرفتن از آنان واجب است برای اینکه آنان دشمنان خدا و رسول هستند و چنانچه خدای متعال فرموده : « **لا تجد قوما بالله و الیوم الاخر و یوآدون من حاد الله و رسوله و کانوا ءابائهم او ابناء هم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه** » (مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند ولی کسانی را به دوستی بگیرند که به خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند هرچند که آنان پدران یا پسران یا برادران و یا قوم وقبیله ایشان باشند. چرا که مومنان را خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان کرده است .(سوره مجادله آیه 22).

خوانندگان محترم!

واقعیت امر اینست که: قرآن عظیم الشان ، نماز نخواندن را از خصوصیات کفّار دانسته آنجا که می‌فرماید: « **وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُواْ لاَ يرْكَعُونَ**»(سوره مرسلات/48.) «(چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می‌شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند! ».

و در روز قیامت آنان را اینگونه توصیف می‌کند: « **يوْمَ يكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيدْعَوْنَ إِلَى**

(c) ketabton.com: The Digital Library

ٱلسُّجُودِ فَلاَ يسْتَطِيعُونَ، خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُواْ يدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ». (روزی، هول و هراس به اوج خود می‌رسد، و کار سخت دشوار می‌شود. بدین هنگام از کافران و مشرکان خواسته می‌شود که سجده کنند و کرنش ببرند، امّا ایشان نمی‌توانند چنین کنند. این در حالی است که چشمانشان (از خوف و وحشت و شرمندگی و شرمساری) به زیر افتاده است، و خواری و پستی وجود ایشان را فرا گرفته است. پیش از این نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می‌شدند (و ایشان با وجود توانایی، سجده و کرنش نمی‌کردند). ».

از نظر قرآن زمانی انسان از مصؤنیت جان خویش برخوردار خواهد بود، و تحت لوای اخوّت اسلامی درخواهد آمد، که از شرک توبه کند و نمازرا برپای دارد و زکات را بپردازد. خداوند درباره‌ی مشرکان و کافران حربی می‌فرماید: « **فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ وَآتَوُاْ الزَّكَاةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ**».

«اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از زمره شمایند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای توبه‌کنندگان از گناهان،) و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است. » .

و بعد از آن می‌فرماید :« **فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ وَآتَوُاْ الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِى الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يعْلَمُونَ**»(اگر آنان (از کفر) توبه کردند و (احکام اسلام را مراعات داشتند، و از جمله) نماز را خواندند و زکات دادند (دست از آنان بدارید، چرا که) در این صورت برادران دینی شما هستند (و سزاوار همان چیزهائی بوده که شما سزاوارید، و همان چیزهائی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است). ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و شرح می‌دهیم.).

قرآن تصویری از سیمای آخرت را برای ما ترسیم می‌کند که کافران و ستمگران در دوزخ‌اند، و مؤمنان اصحاب‌الیمین از آنان می‌پرسند:

«**مَا سَلَكَكُمْ فِى سَقَرَ ؟ قَالُواْ لَمْ نَكُ مِنَ ٱلْمُصَلِّينَ، وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ ٱلْمِسْكِينَ، وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلْخَآئِضِينَ، وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيوْمِ ٱلدِّينِ**» (چه چیزی شما را در آتش دوزخ درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با هرزه‌درایان هرزه‌درایی می‌کردیم و روز جزا را دروغ می‌شمردیم.)

نخستین نمودِ جُرم و کفر آنان این بود که از نمازگزاران نبودند. هرگاه به سنّت نبوی مراجعه نماییم، احادیث صحیح نبوی را می‌یابیم که کافرشدن نماز نخوان را تأیید می‌کند. در حدیثی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبرصلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمود :« **لاتَتْرُكِ الصَّلاةَ فَإنَّ مَنْ تَرَكَ الصَّلاةَ مُتَعَمِّداً فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللهِ** » (نماز را عمداً ترک مکن که هرکس به طور عمد نماز را ترک کند، خداوند متعال تعهّدی در قبال او نخواهد داشت.) طبرانی به سند خود در معجم أوسط این حدیث راروایت کرده و منذری در متابعات گفته است: قابل قبول است.

از عبدالله بن عمر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی درباره‌ی نماز فرمود:

(c) ketabton.com: The Digital Library

«هرکس بر نماز محافظت کند نماز برای او نور و برهان و نجات در روز قیامت خواهد شد، و هر کس بر آن محافظت ننماید هیچ نور و برهان و نجاتی برای او نیست و در روز قیامت همراه فرعون و هامان و ابیّبن‌خلف خواهد بود.» احمد بن حنبل این حدیث را روایت کرده و هیثمی گفته است: رجال آن موثّق می‌باشند.

حکم ابن قیّم (رح) در مورد تارک نماز:

شیخ ابن قیم دمشقی از موالید (691) هجری دردمشق در مورد تارک نماز میفرماید :
«هرکس به سبب سرگرمی به سیاست و امارت نماز را ترک کند، با فرعون محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به مال و دارایی نماز را ترک کند، با قارون محشور خواهد شد، و هرکس که پست و مقام او را از نماز باز دارد، با هامان محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به تجارت نماز را ترک کند با اُبیّبن‌خلف محشور خواهد شد .»

وقتی کسانی که بر نماز محافظت می‌نمایند، با این کافران ستمگر محشور شوند، در حالی که عذاب آنان در دوزخ بسیار شدید است، پاداش کسانی که به‌طور کامل نماز را ترک کنند، و یک عمر رکوع یا سجودی به درگاه خداوند نبرده باشند، چگونه است؟

و پیامبرصلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ تَرَکَ صَلاَةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ« (احمد و بخاری و نسایی از بریده روایت کرده‌اند. «هرکس نماز عصر را ترک کند باعث از میان رفتن و حَبط اعمال او می‌گردد.»

وقتی که ترک یک نماز باعث از میان رفتن و حبط اعمال می‌گردد، کسی که همه‌ی نمازها را ترک کند مجازات او چگونه است؟

قرآن منافقان را برای ما چنین معرفی می‌کند که وقتی آنان برای نماز می‌ایستند با تنبلی و کسالت می‌ایستند. حال کسان که نه با نشاط و نه با تنبلی به نماز می‌ایستند، چگونه خواهد بود؟

همچنان هیچ یک از صحابه راجع به تکفیر کسی که نماز را عمداً ترک کند و یا خارج از دین قلمداد کردن چنین کسی مخالفت ننموده است.

ترمذی از عبدالله بن‌شقیق(رض) به سند صحیح روایت می‌نماید که او گفته است:
یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را به جز نماز کفر نمی‌دانستند.
عبارت راوی بیانگر این است که صحابه (رض) همگی در این مسئله اتفاق نظر داشتند، به همین خاطر این نقطه نظر را به یکی از اصحاب به‌طور مشخص و معیّن نسبت نداده است.

همچنین، علمای دین و اصحاب حدیث نظر اصحاب کرام ، تابعین و فقها را بشرح بیان داشته است :

حضرت علی (رض) فرموده است: هر کس نماز نخواند کافر است.

ابن عباس روایت فرموده اند که:هرکس نماز را ترک کند کافر است.

همچنان از ابن‌مسعود روایت شده است که هرکس نماز را ترک کند بی‌دین است.

حکم جابر بن عبد الله (رض) درمورد تارک نماز:

(c) ketabton.com: The Digital Library

جابر بن عبد الله (رض) باتمام صراحت حکم نموده است که هر کس نماز نخواند کافر است.
ابودرداء میفرماید: کسیکه نماز نخواند ایمان ندارد، و نیز نماز را ادانکرده است کسی که وضوء ندارد.
از ایوب سختیانی روایت شده است که می‌گوید: در اینکه تارک نماز کافر است اختلافی نیست.
حافظ منذری پس از ایراد و بیان این روایات و شیوه‌های پیشینیان می‌گوید: جماعتی از اصحاب از جمله عمربن‌خطاب، عبدالله بن‌مسعود، عبدالله بن‌عباس، معاذ بن‌جبل، جابربن‌عبدالله و ابودرداء(رضی‌الله عنهم) و از غیر اصحاب، احمد بن‌حنبل، اسحاق بن‌راهویه، عبدالله بن‌مبارک، نخعی، حکم بن‌عتیبه، ایوب سختیانی، ابوداود طیالسی، ابوبکر بن ابی‌شیبه، زهیر بن حرب و دیگران(رحمهم الله تعالی) گفته‌اند: هر کس عمداً نماز را ترک کند تا وقت آن سپری گردد، کافر است. (الترغیب والترهیب، جلد 1، کتاب الصلاة، فصل الترهیب، (من ترک الصلاة تعمّداً).

حکم امام ابن‌تیمیه درمورد تارک نماز:

شیخ ابن تیمیه (رح) میفرماید : نباید بر تارک نماز سلام کرد ونباید مهمانی او را قبول کرد ...
همچنین، جایز نیست که پدر، دختر خود را به همسری شخص بی‌نماز درآورد؛ زیرا شخص بی‌نماز در حققت مسلمان نیست و شایستگی ازدواج با دختر مسلمان را ندارد و نمی‌تواند نگهداری و سرپرستی او و فرزندان او امین باشد.
و نیز جایز نیست که صاحبان مؤسسه‌ها وفابریکه ها ، اشخاص بی‌نماز را بحیث کارمندی مقررنماید، زیرچنین عملی به عنوان اعانه به معصیت تلقی می‌گردد، و کسی که حقوق پروردگاری را که خالق و رازق اوست تباه گرداند، حقوق بندگان را به مراتب بیشتر اهمال و تضییع خواهد کرد.
با این ترتیب، مسؤولیت جامعه در مقابل این فریضه‌ی الهی که به عنوان ستون و پایه‌ی دین به‌شمار می‌آید، واضح و روشن خواهد شد، نماز فریضه‌ای است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست مگر آنکه به چنان مریضی سختی مبتلا شود که فاقد هوش و اختیار گردد، و درک فرمان الهی برای او دشوار گردد؛ در غیر این صورت امراض دیگر حتّی اگر منجر به قطع اندامهای شخص گردند یا او را زمین‌گیر یا فلج گردانند، نماز از او ساقط نخواهد شد.
شریعت خطاب به مریض می‌گوید:
به هرطوریکه میتوانی تطهیر کن و وضوء بگیر، آن اندازه که در توان داری نماز بگزار و نماز را هیچگاه ترک نکن، با آب وضوء بگیر، اگر آب نیافتی با خاک پاک تیمم کن.
ایستاده نماز را ادا کن و اگر نتوانستی به‌صورت نشسته، و اگر باز نتوانستی به پهلو یا به پشت خوابیده، با اشاره‌ی سر یا ابرو، نماز را بخوان.
همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید: « **فَاتَّقُواْ اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**» سوره تغابن/16) (تآ آنجا

(c) ketabton.com: The Digital Library

که می‌توانید از خدا پروا بدارید).
جامعه در برابر انجام این فریضه، مسؤولیت دارد، بخصوص حاکم مسؤولی نسبت به رعیت و زیردستان همچون پدر نسبت به فرزندان کوچک یا شوهر نسبت به همسر، مسؤولیت دارد.
پروردگار با عظمت ما در این باره می‌فرماید:«**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاَةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيهَا لاَ نَسْأَلُکَ رِزْقاً نَّحْنُ نَرْزُقُکَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى**»(سوره طه/132.)(و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش، ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام نیک برای پرهیزگاری است).
همچنان خداوند متعال میفرماید : « **يَاايهَا الَّذِينَ آمَنُواْ قُواْ أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ** » (سوره - تحریم/ 6.) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود واهل تانرا از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید)
وقتی که شوهر اهتمام و توجه خاصی به همسر خود دارد و دوستدار اوست، همچنین پدر که نسبت به فرزندان خود عشق می‌ورزد و برای آنان دلسوزی می‌کند، باید همواره بکوشد تا آنان را از آتش دوزخ مصون نگاه دارد، و آنان را نسبت به اطاعت و عبادت پروردگار که مهمترین زمینه‌ی آن اقامه‌ی نماز است، دستور دهد.

حکم شیخ ابن باز رحمه الله درموردتارک نماز:

شیخ ابن باز طی فتوای : تارک نماز را کافر می داند و حتی ایشان کسی را که عمدا یکی از نمازهایش را به تاخیر بیاندازد را نیز کافر می داند.(برای معلومات مزید مراجعه شود : به «فتاوی اللجنة » (40،50/6) .
چنانکه برخی دیگر از اهل علم بر این رای هستند که چنانکه کسی مدا و بدون وجود عذر شرعی نمازی را فوت نماید بگونه ایکه وقت آن نماز گذشته و به نماز بعدی برسد، پس او کافر شده است.و گذشت وقت نماز یعنی اینکه نماز ظهر را تا وقت غروب، و نماز مغرب را تا بیاندازد.(و این حکم به دلیل وجود احتمال جهت جمع کردن نماز است) و از جمله علمای سلف که بر این رای هستند: محمد بن نصر المروزی و عبدالله ابن مبارک رحمهما الله هستند. لذا بر اساس این قول کسی که مثلا فقط نماز جمعه می خواند یا فقط ماه رمضان نماز می خواند یا اینکه روزی نماز می خواند و روزی دیگر نماز نمی خواند (حتی اگر منکر وجوب نماز نیز نباشد) کافر است.

حکم شیخ محمد بن صالح العثیمین درموردتارک نماز:

شیخ عثیمین با تائید فتوای حکمی که در فوق از آن یاداوری نمودیم در جای دیگری : تارک نماز دائمی را کافر می داند، بدین معنی که اگر کسی همیشه و دائم تارک نماز باشد کافر است و این بر خلاف رای فوق است، بر اساس این رای کسی کافر است که بطور مطلق تارک نماز باشد.
و این رای شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نیز است و ایشان گفته اند که اگر کسی نمازی را می خواند و نمازی را ترک می کند، چنانکه در قلب خود چنین نیت داشته باشد که بطور کلی نماز را ترک خواهد کرد، او باطنا کافر شده است یعنی کفری که الله تعالی بدان

(c) ketabton.com: The Digital Library

خبر دارد و بین او بین الله تعالی است.(مجموع الفتاوی (49/22) ، (615/7) ، و« شرح العمدة» (94/2).

و شیخ ابن عثیمین نیز بر همین رای هستند چنانکه می گویند:« آنچه که از ادله این امر ظاهر می شود اینست که: تارک نماز کافر نیست مگر اینکه او نماز را دائمی ترک کند، بدین معنی که او نفس خود را بر ترک نماز قرار دهد، و او نماز ظهر نمی خواند و نیز نماز عصر و مغرب و عشا و صبح نمی خواند، در این وضعیت شخص کافر است. ولی اگر او در شبانه روز یکی یا دو فرض نماز را بخواند کافر نمی شود، زیرا نسبت به او گمان نمی رود که قصد ترک نماز را داشته باشد در حالیکه پیامبر صلی اله علیه وسلم می فرمایند:« **بين الرجل وبين الشرك والكفر ترك الصلاة** » مابین شخص مسلمان و شرک و کفر ، ترک نماز است. و ایشان نفرمودند (**ترك صلاة**) یعنی نفرمودند ترک هر نمازی باعث کفر است.(«صلاة » نکره است).(انتهی من « الشرح الممتع» (26/2)).

البته بطور شفاهی از جناب شیخ ابن عثیمین در مورد حکم کسی که در هفته فقط نماز جمعه می خواند می پرسند و ایشان جواب می دهند که؛ ظاهر این اشخاص کافر می شود زیرا او از سی و پنج نماز که در هفته بعنوان واجب وجود دارد، فقط یک نماز خوانده و این در برابر نمازهای یک هفته قلیل و اندک است، و به کسی که فقط یک نماز در طول هفته می خواند نمازخوان گفته نمی شود بلکه او تارک نماز است.

حکم شیخ ناصرالدین البانی در مورد تارک نماز:

شیخ ناصرالدین الالبانی با تاید نظریات سایر علماء تارک نماز را در صورتیکه منکر وجوب نماز باشد کافر می داند و ایشان بر این رای هستند که در تمامی عبادات واجب مادامیکه شخصی منکر وجوب آنها باشد کافر می شود و فرقی نمی کند که آن عبادت واجب نماز باشد یا روزه یا زکات و یا عبادت واجب دیگری، و ایشان کسی که از روی سستی تارک نماز است ولی به گناه خود اقرار دارد را تکفیر نمی کنند.و ایشان می گویند به کسی که تارک نماز است می گوییم: آیا از نظر تو نماز واجب است یا خیر؟ اگر گفت آری واجب است پس او را نمی توانیم تکفیر نماییم زیرا او به نماز اعتقاد و ایمان دارد هر چند تارک نماز است و به سبب آن خود را مشمول عذاب سختی کرده است ولی او کسی است که شهادتین را برزبان جاری ساخته و به شرائع اسلام ایمان دارد.

ولی اگر گفت که نماز را واجب نمی دانم قطعا او کلمه کفری گفته و او کافر است.

نتیجه کلی در مورد تارک نماز:

برخی از علماء حتی ترک یک نماز را از روی عمد باعث کفر تارک می دانند. و برخی دیگر از علماء کسی را که مطلقاً نماز نمی خواند و تارک نماز دایمی است را کافر می دانند ولی برخی دیگر از علماء کسی را که منکر وجوب نماز باشد را کافر دانسته ولو اینکه تارک نماز باشد. و البته بنظر می رسد رای دوم (ابن عثیمین) به ثواب نزدیکتر باشد.

اما از شخاصیکه منکر وجوب نماز نباشد یا نماز را خوار و سبک نداند، در این صورت با ترک نماز یا کافر مرتّد است همانگونه که ظاهر احادیث و ظاهر فتوای اصحاب و

(c) ketabton.com: The Digital Library

دیگران بیانگر آن است، یا فاسق و دور از خدا محسوب می‌گردد.
بالاترین حدّ تخفیف درباره‌ی شخص بی‌نماز فاسق به حساب آوردن اوست به گونه‌ای که هر لحظه بیم کفر از او می‌رود و شکی نیست در اینکه بعضی از گناهان منجر به بعضی از گناهان دیگر می‌شوند، همچنانکه گناهان صغیره منجر به گناهان کبیره، و کبائر منجر به کفر می‌گردند.
بنابراین بر انسان مسلمان واجب است که به درون خود مراجعه نماید و در پیشگاه پروردگار توبه کند و به تصحیح دین خود بپردازد و بر اقامه‌ی نماز تصمیم بگیرد.
همانطور که بر دینداران واجب است که با اشخاص بی‌نماز مصرّ بر ترک نماز، پس از نصیحت و امـر به معروف و نهی از منکر، قطع رابطه و ترک معاشرت متداول نمایند.

یادداشت ضروری:

به هر حال بر مسئولین امر واجب است که شخص بی نماز را وادار به توبه نمایند،وبا حکمت حکم پرودگار وسنت رسول الله صلی الله علیه وسلم وفواید نماز را برایش توضیح وتشریح نماید ، اگر شخص متذکره توبه کرد کاری به او نداشته باشند . ولی اگر با آنهم لجاجت وبر انکار نماز تاکید بدارد مطابق حکم اسلامی توسط محکمه اسلامی آنرا بقتل برسانند.
در مورد اینکه با شخاصیکه تارک نماز هستند، روابط صله رحمی قایم گردد ویا آن هم قطع گردد ، علماء میفر مایند که با ایشان نباید روابط صلحه رحمی قطع گردد ، باید با روابط با ایشان ادامه داد وبا استفاده از موعظه حسنه ، ایشان را به ادای نماز دعوت نمود.
حکم شرعی است که باید به همچو اشخاص دعوت ونصحیت صورت گیرد وایشان از عقوبتهای اخروی ترسانیده شوند ، شاید که توبه کنند ودوباره به راه مستقیم هدیت گردند.

صدق الله العظیم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

معلومات مؤجز

(c) ketabton.com: The Digital Library

اسباب نزول
ترجمه مؤجز
خلاصه تفسیر
محتوی کلی سوره ماعون
تفسیر مؤجز
حکم تارک نمازدراسلام
حکم تارک نمازنزد امامان اهل سنت و جماعت
حکم امام مالک و امام شافعی درمورد تارک نماز
حکم شیخ عثیمین درمورد تارک نماز
حکم امام ابوحنیفه در مورد تارک نماز
حکم امام احمد در مورد تارک نماز
حکم امام شعرانی در مورد تارک نماز
حکم شیخ حبیب ابن عبد الله در مورد تارک نماز
حکم ابن قیّم (رح) در مورد تارک نماز
حضرت علی (رض) فرموده است
ابودرداء میفرماید
حکم امام ابن‌تیمیه درمورد تارک نماز
حکم شیخ ابن باز رحمه الله درموردتارک نماز
حکم شیخ محمد بن صالح العثیمین درموردتارک نماز
حکم شیخ ناصرالدین البانی در مورد تارک نماز
نتیجه کلی در مورد تارک نماز

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر وبیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف واسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤ ف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قران
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن،از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القران مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرّم دل
- تفسیر کابلی (تالیف :شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم : هیاتی از علمای افغانستان)

(c) ketabton.com: The Digital Library

- صحيح مسلم
- صحيح البخارى

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library